

## قوانین منابع طبیعی درانتظارحمایت دستگاه قضا قوانین منابع طبیعی درانتظارحمایت دستگاه قضا



یا از سر ناچاری است یا از روی عمد، یا برای سیر کردن شکم است یا برای کسب درآمد بیشتر، یا نقشه یک بومی بی‌چیز است یا برنامه عده‌ای باسابقه اما چه فرقی می‌کند ...

جام جم آنلاین: یا از سر ناچاری است یا از روی عمد، یا برای سیر کردن شکم است یا برای کسب درآمد بیشتر، یا نقشه یک بومی بی‌چیز است یا برنامه عده‌ای باسابقه اما چه فرقی می‌کند که از سر ناچاری باشد یا از روی عمد، چه فرقی می‌کند که برای سیر کردن شکم باشد یا برای به دست آوردن ثروت، وقتی درختی بریده یا سوزانده می‌شود، وقتی درختچه‌های بیابانی و کویری و کوهستانی از ریشه درمی‌آیند یا وقتی باغات داخل یا مجاور جنگل به خاطر بی‌مبالاتی طعمه آتش می‌شوند دیگر آنچه مهم است تخریب منابع طبیعی است بی‌آن که انگیزه نهفته در آن اهمیت زیادی داشته باشد.

دقیقا مشخص نیست که هر سال تجاوزهای عمدی و سهوی به منابع طبیعی چه خساراتی به بار می‌آورد، اما مرور زمان به خوبی نشان داده که این عرصه‌ها تا چه حد در مقابل بهره‌برداری‌های غیراصولی شکننده شده‌اند. پس هر کس به طبیعت لطمه می‌زند باید مجازات شود حالا چه تخریب‌ها از روی آگاهی باشد چه از سر ناچاری و برای گذران زندگی.

اما مجازات‌هایی که در متن قانون آمده‌اند بیشتر شبیه شوخی‌اند حتی وقتی هیات وزیران این مجازات‌ها را از پوسته کهنه دهه 40 خورشیدی خارج می‌کند یا وقتی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور سعی می‌کند مجازات‌هایی به روز شده را در قانون مجازات اسلامی بگنجانند.

ماده 42 قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب سال 46 کسی را که هر اصله نهال را ببرد، بسوزاند یا ریشه‌کن کند به 20 تا 50 ریال جریمه نقدی محکوم می‌کند و کسی را که این کارها را در مورد یک درخت انجام دهد به 100 تا یکهزار ریال جریمه نقدی و حبس تادیبی از 11 روز تا 6 ماه. این قانون کسی را که بوته‌ها و خارها و درختچه‌های بیابانی و کویری و کوهستانی را ببرد یا ریشه‌کن کند را نیز به حبس تکدیبری تا 10 روز با پرداخت غرامت از 201 ریال محکوم کرده همان‌طور که برای چرانیدن بز در جنگل‌ها و مراتع غرامتی از 10 تا 100 ریال تعیین کرده است.

البته برخی از این ارقام که حالا بیشتر به قصه‌ها می‌مانند در سال 82 از سوی هیات وزیران و برخی دیگر در لایحه قضاذایی و قانون جامع منابع طبیعی بازنگری شده‌اند تا جایی که بنا بر این (در صورت تصویب قانون جامع) جریمه از بین بردن نهال درختانی چون ارس، شمشاد، سرخ‌دار و... 37 هزار و 500 تومان، راش، بلوط، افرا، توسکا و... 25 هزار تومان و کلهو و مرمر و اوجا 15 هزار تومان باشد. این در حالی است که اگر بندهای مربوط به منابع طبیعی در لایحه قضاذایی اجرا شود بریدن، ریشه‌کن کردن و سوزاندن نهال‌ها و درخت‌ها، آتش‌زدن مراتع، چمنزارها و نیزارها و هرگونه بهره‌برداری از محصولات فرعی جنگلی و مرتعی جریمه‌ای نقدی از 2 تا 5 برابر خسارت وارده و اقداماتی چون کت‌زدن، پی‌زدن یا روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی جریمه‌ای از 400 هزار تا یک میلیون تومان در پی خواهد داشت.

این در شرایطی است که اگر پیشنهادات سازمان جنگل‌ها برای اصلاح قانون مجازات اسلامی پذیرفته شود و به تصویب برسد آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل و مجاور جنگل البته اگر بدون مجوز و نظارت و ماموران حفاظتی باشد از 91 روز تا یک سال حبس و 15 تا 60 میلیون ریال جزای نقدی خواهد داشت که اگر این آتش به عرصه‌های جنگلی مجاور سرایت کند آن‌وقت این مجازات به 6 ماه تا 2 سال حبس و 30 تا 100 میلیون ریال جزای نقدی افزایش خواهد یافت. طبق این پیشنهادات اگر کسی از روی عمد مرتکب آتش‌سوزی در مناطق جنگلی و مرتعی بشود به 3 تا 10 سال حبس و پرداخت 120 تا 300 میلیون ریال جزای نقدی محکوم و اگر کسی مرتکب قطع، ریشه‌کشی، سوزاندن، پی‌زدن، تیغ‌زدن، پوست‌کندن، سرشاخه زدن و سربرکردن ذخایر جنگلی شود به 6 ماه تا 2 سال حبس و پرداخت 30 تا 120 میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

این مجازات در نظر گرفته شده البته اگر بزودی تصویب و اجرا شود اوضاع را بهتر از وضع فعلی می‌کند و سنگینی آنها پای بسیاری از متجاوزان به عرصه‌های منابع طبیعی را سست می‌کند، اما تا وقتی این مجازات تنها در قالب پیشنهاد هستند کاری از پیش نخواهد رفت.

البته شاید آنهایی که مثل اکبر بوالحسنی، مدیرکل دفتر امور حقوقی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور فکر می‌کنند درست بگویند چون او معتقد است رفع تعرضات و تجاوزات به منابع طبیعی فقط با تشدید مجازات‌ها شدنی نیست.

مدیرکل حقوقی سازمان جنگل‌ها: از منظر حقوقی ما بر این باور نیستیم که مجازات تنها راه‌حل حفظ عرصه‌های منابع طبیعی است،

اما به هر حال معتقدیم مجازات نیز تاثیر خودش را در کنار سایر مسائل خواهد داشت بوالحسني در گفت‌وگو با #171جام‌جم&raquo; مي‌گويد: از منظر حقوقي ما بر اين باور نيستيم كه مجازات تنها راه‌حل حفظ عرصه‌هاي منابع طبيعي است، اما به هر حال معتقديم مجازات نيز تأثير خودشان را در کنار ساير مسائل خواهد داشت. پس ما بايد در همان حالي كه مجازات را وضع مي‌كنيم از راه آموزش و فرهنگسازي مردم را با فوايد منابع طبيعي و حقوقشان در برخورداري از اين مواهب آشنا كنيم.

او كه اعتقادي به تشديد افراطي مجازات ندارد معتقد است كه تعيين مجازات چند برابر نيز سقفي دارد و ادامه مي‌دهد: تئوري قانون‌نويسي ما نمي‌تواند مبتني بر متخلفان و آنهايي كه از روي عمد به طبيعت دست‌درازي مي‌كنند باشد هر چند كه معتقديم اگر كسي از روي عمد اصرار بر تكرر جرم داشت آن‌وقت ديگر به جاي آموزش، مجازاتي چون زندان براي سزودمند خواهد بود.

بوالحسني با بيان اين كه بيشتر تعرضات به منابع طبيعي از ناحيه مردم بومي و به ناچار رخ مي‌دهد مي‌گويد: ما براي مردم قانون مي‌نويسيم و هنگام نوشتن آن بايد به حقوقشان اهميت بدهيم. ما معتقديم حساب روستاييان از متصرفان عمدي جداست پس به سمت آموزش آنها حركت مي‌كنيم. البته در مورد مردم بومي كه از منابع طبيعي بهره‌برداري مي‌كنند فقط آموزش دادن كفايت نمي‌كند چون آنها به خاطر شرايط سخت زندگي ناچار به اين كارند در حالي كه هنوز براي تامين سوخت روستاييان مشكل وجود دارد و مسلمانان اين مشكل رفع نشود با تشديد مجازات نيز چيزي حل نمي‌شود.

بوالحسني درست مي‌گويد چون تا وقتي كه مردم جنگل‌نشين براي داشتن سوخت ارزان و در دسترس مشكل دارند نمي‌شود از آنها انتظار داشت كه مجازات مندرج در قانون را به ياد بياورند و دست از چوب درختان و درختچه‌ها كه آسان‌ترين راه توليد گرما است بردارند يا گرسنگي و سرما را به خاطر موارد نوشته شده در جزوه‌هاي آموزشي به جان بخرند. اين همان موضوعي است كه اگر در تمام اين سال‌ها جدي گرفته مي‌شد و به جاي حرف‌هاي دل‌فريب زدن، معيشت جايگزين براي بوميان مهيا مي‌شد آن‌وقت زندگي آنها تا اين حد وابسته به طبيعت نمي‌بود.

مسلمانان تمام اين كارها از عهده يك سازمان برنمي‌آيد و انجام اقدامات پراكنده نيز به نتيجه مطلوب نمي‌رسد ولي واقعييت اين است كه در حال حاضر اين كاستي‌ها منابع طبيعي آسيب‌پذير كشور را آزار مي‌دهد. پس وقتي اوضاع به اين شكل است چاره‌اي جز اين وجود ندارد كه نگاهمان به قوانين بازدارنده و جديت دستگاه قضا در اجراي قوانين باشد هر چند كه اين موضوع نيز جاي بحث دارد.

بوالحسني، مدير كل دفتر امور حقوقي سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخيزداري كشور در اين باره مي‌گويد: ما در مورد پرونده‌هاي منابع طبيعي و نحوه رسيدگي به آنها مشكل داريم ولي در عين حال از بسياري از آراي صادره نيز راضي هستيم هر چند كه رضايتمردي نسبي است. اما واقعييت اين است كه ما در اين عرصه مشكل داريم مشكلاتي چون تخصصي نبودن محاكم، باقي نماندن كارشناسان حقوقي خبره در سازمان و به تبع آن ميسر نشدن دفاع‌هاي قوي، درست اجرا نشدن قوانين و رسيدگي به دعاوي مردم در ديوان عدالت اداري كه باعث باطل شدن بسياري از تصميمات ما مي‌شود.

او ادامه مي‌دهد: البته تاكنون با توجه به وجود همه اين مشكلات بيش از 80 درصد آرا به نفع منابع طبيعي و فقط 20 درصد آنها به نفع مردم تمام مي‌شود كه البته اين رقم هنوز نيز مورد پسند ما نيست. ما به دنبال اين مساله هستيم تا قضاوت در پرونده‌هاي منابع طبيعي را كاملاً تخصصي كنيم چرا كه حرفه‌اي نبودن قضاوت و حتي وكلا نيز بر آراي صادره اثر مي‌گذارد. به اين منظور بتازگي موفق شده‌ايم تا رشته حقوق منابع طبيعي را در دانشگاه تهران راه‌اندازي كنيم و اميدواريم تا ظرف 3 سال آينده قضاوت متخصص در حوزه منابع طبيعي نيز وارد محاكم شوند.

اين كه بوالحسني بر تخصصي شدن محاكم و امور داوري تاكيد دارد فقط به خاطر ذي‌نفع بودن سازمان متبوعش در پرونده‌هاي قضايي نيست بلكه او حقيقتي را بيان مي‌كند كه سال‌ها است خلا آن احساس مي‌شود. واقعييت اين است كه چون كار قضاوت و وكالت در دستگاه قضايي كشور تخصصي و تفكيك شده نيست به ناچار پرونده‌هاي مختلف با مضامين گوناگون روي ميز قضايي قرار مي‌گيرند كه نه به صورت تخصصي بلكه با نگاهی كلي نسبت به آن قضاوت مي‌كنند. البته اين بدان معني نيست كه تخصصي نبودن امر قضا حتماً باعث صدور آراي غلط مي‌شود بلكه به احتمال زياد درصد خطاها را بيشتر مي‌كند. پس تشديد و به روز كردن مجازات در حوزه منابع طبيعي فقط يك سوي ماجراست چرا كه بخش مهم‌تر آن اجراي درست قوانين است و البته مهم‌تر اين كه شرايط زندگي مردم طوري طراحي شود كه رابطه آنها با عرصه‌هاي منابع طبيعي منجر به نابودي طبيعت و همچنين طرح دعوا در دستگاه قضايي نشود.

مريم خباز  
گروه جامعه